



### نگاه دیگر

## شکست راهبرد صهیونیست‌ها علیه لبنان اخطار به عرب‌العرامشه از حزب‌الله به اسرائیل

خلیل نصرالله \*

۱۷ آوریل (۲۹ فروردین) حزب‌الله لبنان یکسری عملیات نظامی عالی را در بخش غربی مرز لبنان و فلسطین اشغالی آغاز کرد که با حمله‌ای پیچیده با استفاده از موشک‌های هدایت‌شونده و یک پهپاد مملو از مواد منفجره به مقر یگان شناسایی رژیم صهیونیستی در روستای «عرب‌العرامشه» به اوج رسید. بر اساس گزارش‌های رسانه‌های عبری، این حمله ۱۸ مجروح بر جای گذاشت که حال برخی از آنها وخیم است. از جمله یک ژنرال دشمن که بر اثر جراحات هلاک شد. هدف اولیه این عملیات، رساندن پیامی جدی به رژیم صهیونیستی بود: کشتار هدفمند اعضای حزب‌الله، بیش از این تحمل نخواهد شد! به طور مشخص این واکنش مقاومت به ترور روز قبل زمندگانش در روستاهای عین بعل و شهبیه بود که در حملات پهپادی ضربتی اسرائیل به شهادت رسیدند.

■ کشتن حزب‌الله، واکنش اسرائیل  
صبح روز عملیات تلافی‌جویانه، حزب‌الله حملات قابل توجه دیگری را هم در بخش غربی مرز انجام داد. حمله به پادگان برانیت با موشک قدرتمند برکان و پرتاب موشک الماس ۳ به سمت واحد کنترل هوایی پایگاه مرون، نخستین مورد استفاده گزارش شده از این موشک با برد بیش از ۱۰ کیلومتر بود. این حمله همچنین یک رادار AN/TPQ-37 (سامانه قابل حمل آمریکایی ساخت دهه ۱۹۷۰) را که یک سامانه ضروری برای شناسایی پرتابها و شناسایی منشأ آنهاست، منهدم کرد.

به رغم آکراه اولیه، ارتش عبری به دنبال شواهد گسترده ارائه‌شده در فیلم‌های متعدد، عملیات را تایید کرد. این عملیات، مانند بسیاری از تک‌های اخیر حزب‌الله، یک پاسخ کیفی بود که توجهات رسانه‌ای و تحلیل‌های قابل توجهی را در میان اسرائیلی‌ها به خود جلب کرد.

مفسران برجسته‌خاطر نشان کرده‌اند حزب‌الله عملاً سامانه‌های هشدار اسرائیل را دور زده و در حمله خود هر کاری که خواسته کرده و این نشان می‌دهد ترورهای قبلی توسط اسرائیلی‌ها مانع عملیات راهبردی حزب‌الله نشده است. عملیات «عرب‌العرامشه» به ذقت توسط رسانه‌های غربی، هم در زمینه تاکتیک‌های حزب‌الله و هم درباره پاسخ‌های اسرائیل، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. کاتال ۱۲ (تحت مدیریت اداره دوم تلویزیون و رادیوی رژیم صهیونیستی) به طور خاص بر ۲ نکته مهم تأکید کرد:

۱- حزب‌الله به سرعت از درگیری‌های گذشته درس می‌گیرد و تاکتیک‌ها و سلاح‌های جدیدی را وارد میدان جنگ می‌کند. این امر با شلیک موشک‌های سنگین بر کان به سمت پایگاه‌های ارتش عبری، نشان‌دهنده تغییر رویکرد مقاومت لبنان و نشان دادن توانایی‌اش در نوآوری و به کارگیری فناوری‌های جدید در سناریوهای جنگی - به جای پنهان‌کاری‌های گذشته - است. ۲- توانایی جنبش مقاومت لبنان در ترکیب موثر چندین سامانه تسلیحاتی به طور همزمان برای هدف قرار دادن یک مکان خاص نیز مورد توجه قرار گرفت. هدف از این راهبرد، غلبه بر پدافند دشمن و به حداکثر رساندن تأثیرات آفندی است.

اطلاعات تکمیلی توسط خبرنگار نظامی روزنامه عبری مگور ریشون، حاکی از آن است ترورهای متعدد اعضای حزب‌الله توسط رژیم نه باعث بازدارندگی شده و نه تأثیر قابل توجهی بر توانایی این سازمان برای انجام حملات پیچیده علیه نقاط حساس نظامی اسرائیل داشته است. اساساً رسانه‌های صهیونیستی، تصویری از نگرانی درباره راهبردهای عملیاتی کنونی ارتش اسرائیل و اثربخشی آنها ترسیم می‌کنند. در حال حاضر مجموعه مقالات آنها به این جمع‌بندی رسیده است که نه یورش عمیق به خاک لبنان و نه هدف قرار دادن قابلیت‌های عملیاتی حزب‌الله مانع دسترسی و استفاده این سازمان مقاومت از تسلیحات پیشرفته یا اجرای حملات هماهنگ نشده است

■ جمع‌آوری اطلاعات توسط حزب‌الله  
قابلیت‌های اطلاعاتی حزب‌الله به وضوح قوی است و در طول سالیان متممادی پرورش یافته است. این سطح از جمع‌آوری اطلاعات توسط سیدحسین نصرالله، دبیرکل این گروه برجسته شده که یک بار به طور واضح برای طرف صهیونیست چنین پیامی فرستاد: مهم نیست شما از مقاومت چه می‌دانید، مهم این است که مقاومت درباره شما چه می‌داند. عملیات عرب‌العرامشه نمونه قانع‌کننده‌ای از این قابلیت‌هاست. اطلاعات قبلی حزب‌الله از یک سایت شناسایی نسبتاً جدید و حمله موفقیت‌آمیز بعدی آن، کار اطلاعاتی دقیق را به نمایش می‌گذارد.

ادامه در صفحه ۶



### فرماندهای که در مراسم تشییع پیکرش زنده شد

## داستان ابوشجاع، فرمانده جوانان اردوگاه «نور شمس» در طولکرم، قاب‌مانایی ملت فلسطین است

کنیم، همه چیز به این سادگی نباشد. قاب حضور او در جمع مردمی که شهیدان خود را به دوش می‌کشیدند، صحنه‌ای آخرالزمانی و یادآور زنده ماندن شهید در مکتب جهادی اسلام است. هیچ استعاره‌ای در کار نیست و صرف حضور در جمع شهیدان بار تدریس مفاهیمی را به دوش می‌کشد که عمری با استعاره و مثال روایت شده‌اند. در سوی دیگر اما همین که یک سوزو سه سطح اول ترور پس از ناکام ماندن عملیات ترورش در یک محیط محدود محاصره شده اینچنین خود را در مقابل دیدگان همه قرار می‌دهد و آنها را به یک شکست دیگر دعوت می‌کند، فراتر از استعاره‌هایی است که همواره برای ترسیم مختصات مقاومت فلسطینی از آن استفاده می‌شد. محمد جابر با نام نظامی «ابوشجاع» فرمانده گردان طولکرم در سربالاقدم یک قاب جدید از واقعیت اجتماعی فلسطین است. در دهه‌های گذشته و پس از تثبیت اشغال، انشغالگران بخش زیادی از اهتمام خود را بر فروپاشی اجتماعی فلسطین و تضعیف روح ملی این سرزمین معطوف کردند. تقسیم شدن فلسطین

سوی زنده ماندن گام برمی‌دارند، طبیعی است وجود داشتن شان به تنهایی بار یک وجه استعاری را به دوش بکشد. این را بهتر از هر کس دیگری خبرنگاران حاضر در فلسطین گواهی می‌دهند. آنها بدون اینکه به دنبال سوزهای یگردند با کاشت دوربین‌شان در میان جامعه‌های مترک، قاب‌ها و داستان‌های بی‌پدیلی را ثبت می‌کنند که از توان رسانه و خبر خارج است. در تومار داستان‌های پررنج و مرارت غزه که فصلی جدانشدنی از تاریخ فلسطین است می‌توان داستان‌های حماسی دیگری را هم پیدا کرد. «ابوشجاع» احتمالاً یکی از آنها خواهد بود. مردی جوان که عملیات ترورش در اردوگاه «نورشمس» - بیش از ۳ روز به طول انجامید؛ ۱۴ نفر از هم‌زمانش شهید شدند و پس از اعلام شهادتش، به ناگاه از پشت پرده غیب حاضر شد و در مراسم تشییع هم‌زمان شهیدش شرکت کرد. شاید تا اینجا ما بیش از هر چیز تنها به یاد سوزه آشنای فیلم‌های سینمایی بیفتیم اما زمانی که در زمین واقعیت رد زنده ماندن او و اقدامش در شرکت در مراسم تشییع دیگر شهدای اردوگاه را مرور

ارمیا عزیز: ۲۰۰ روز از آغاز تجاوز رژیم صهیونیستی به نوار غزه می‌گذرد و در این ۲ صد روز هیچ چیز به اندازه ادبیات خلع سلاح نشده است. آنچه در این زمانه بر زمین کوچک غزه گذشته جهان را از هر استعاره‌ای تهی کرده است. اگر قلم نقطه آغاز تمدن آدمی بوده و ادبیات با غنی کردن کلمات به تمثیل و نماد و کنایه به دنبال آن بوده تا حوادث را ثبت و ضبط کند، حالا دیگر هیچ استعاره‌ای برای توصیف آنچه در نسل‌کشی معاصر بر اهالی غزه گذشته را ندارد. امروز کدام کاتبی می‌تواند برای روایت رنج فلسطین این مظلومیت را به چیزی جز «هل فلسطین بوند» تشبیه کند؟ هنگامی که ارسال کمک‌های به ظاهر انسانی، خود باعث کشتار گرسنگان می‌شود و بیمارستان به نام‌ترین نقطه برای فرار از مرگ تبدیل می‌شود، دیگر به سختی می‌توان رنج جاری را با زبان کنایه توضیح داد. زمانی که ادبیات خلع سلاح شده و استعاره‌ها تبدیل به واقعیت جاری شده‌اند، شرح آنچه در زیر پوست فلسطین می‌گذرد اگر محال نباشد به اندازه کافی دشوار است. مردمی که در بطن یک تبتانی جهانی برای نیست شدن، به

## از ستاد حجاب تا فرهنگ حجاب

و چندضلعی حجاب است. بیش از ۳۰ سال از طرح مفهوم ناتوی فرهنگی و تهاجم فرهنگی توسط رهبر معظم انقلاب می‌گذرد. استتخاله فرهنگی در کنار فشار اقتصادی، سیاست قطعی دشمن برای براندازی در زمانه‌ای است که به یقین رسیده از نظر نظامی نمی‌تواند ضربه‌ای به کشور وارد کند. در چنین شرایطی به جای تخطئه نیروی انتظامی در انجام وظایف قانونی خود لازم است دیگر دستگاه‌های فرهنگی را مورد عتاب قرار داد تا در زمینه ساماندهی حجاب فعال شوند. سال‌هاست این شعار مطرح می‌شود که به جای ورود نظامی و امنیتی به مقوله حجاب، باید به فکر ساماندهی عرصه مد و لباس بود اما پرسش اینجاست که ساماندهی مد و لباس یا همان تولید الگوهای لباس ایرانی - اسلامی چرا تبدیل به رویایی دست‌نیافتنی شده است؟ آیا ریشه این موضوع به اقتصاد بازار و تلاش برای کسب رضایت تولیدکننده‌ها برای فروش بیشتر بازمی‌گردد؟ مساله ساماندهی فضای مجازی نیز به نوعی تبدیل بهغدغه تمام خانواده‌های ایرانی شده است. این موضوع خصوصاً پس از همه‌گیری کرونا و حضور کودکان در فضای مجازی دغدغه‌های زیادی را برای خانواده‌های ایرانی به وجود آورد. حل بخش عمده‌ای از مساله حجاب در کشور ما نیاز به بازگشت به تصویرسازی‌های صورت‌گرفته در فضای مجازی پیرامون حجاب دارد. فضای مجازی ادراک انسان ایرانی از پوشش، بدن و روابط خود را دچار تحول کرده است. چرا با وجود گذشت سال‌ها از حضور شبکه‌های

بخش عمده‌ای از رفتارسازی در نهادهای اجتماعی دیگر همچون رسانه، آموزش و پرورش و... صورت می‌گیرد. پرسش این است: هنگامی که از میان ۳۳ دستگاه مرتبط با قضیه حجاب که بیشتر آنها صیغه فرهنگی یکی از پیچیده‌ترین و ذوابعادترین مسائل در ایران معاصر است. همین پیچیدگی منجر به آن شده است که دستگاه‌های مختلفی طی چند دهه گذشته به عنوان متولی امر پوشش به شمرار آیند. آنگونه که از مباحث به دست می‌آید ۳۲ ارگان دارای تکالیفی در زمینه حجاب هستند. از وزارتخانه‌هایی همچون آموزش و پرورش، ارشاد، اطلاعات و کشور تا مجموعه‌هایی همچون شهرداری‌ها، نیروی انتظامی، سازمان تبلیغات، صداوسیما و... همگی در زمینه حجاب دارای مسؤلیت و مأموریت مشخص هستند اما پرسش آن است که چرا به‌رغم برگیر کردن دستگاه‌های متعدد در زمینه حجاب اما باز شاهد این موضوع هستیم که مساله حجاب در کشور ما سامان پیدا نکرده است؟ به باور برخی پوشش امری فرهنگی بوده و ورود نیروی انتظامی در آن دارای هیچ توجیهی نیست. در پاسخ این موضوع باید گفت که مساله حجاب در کشور ما همچون یک مکعب روبیک است که برای حل شدن آن لاجرم نیازمند هماهنگی همه دستگاه‌ها با یکدیگر هستیم. طبق بررسی‌ها ظرفیت قانون، نیروی انتظامی و نهادهایی از این دست برای رفتارسازی در سطح جامعه تنها ۱۵ درصد است. به عبارت دیگر

دیدگاه  
علی عسگری: هر چند پیرامون امر پوشش و حجاب گفته‌اند مساله‌ای با پایه‌های فرهنگی است اما بدون شک حجاب یکی از پیچیده‌ترین و ذوابعادترین مسائل در ایران معاصر است. همین پیچیدگی منجر به آن شده است که دستگاه‌های مختلفی طی چند دهه گذشته به عنوان متولی امر پوشش به شمرار آیند. آنگونه که از مباحث به دست می‌آید ۳۲ ارگان دارای تکالیفی در زمینه حجاب هستند. از وزارتخانه‌هایی همچون آموزش و پرورش، ارشاد، اطلاعات و کشور تا مجموعه‌هایی همچون شهرداری‌ها، نیروی انتظامی، سازمان تبلیغات، صداوسیما و... همگی در زمینه حجاب دارای مسؤلیت و مأموریت مشخص هستند اما پرسش آن است که چرا به‌رغم برگیر کردن دستگاه‌های متعدد در زمینه حجاب اما باز شاهد این موضوع هستیم که مساله حجاب در کشور ما سامان پیدا نکرده است؟ به باور برخی پوشش امری فرهنگی بوده و ورود نیروی انتظامی در آن دارای هیچ توجیهی نیست. در پاسخ این موضوع باید گفت که مساله حجاب در کشور ما همچون یک مکعب روبیک است که برای حل شدن آن لاجرم نیازمند هماهنگی همه دستگاه‌ها با یکدیگر هستیم. طبق بررسی‌ها ظرفیت قانون، نیروی انتظامی و نهادهایی از این دست برای رفتارسازی در سطح جامعه تنها ۱۵ درصد است. به عبارت دیگر

### نگاه

## درباره کشف گورهای جمعی در غزه غرب مادر هولوکاست است

سارا هوشمند: جنایات رژیم صهیونیستی در غزه تا امروز که ۲۰۰ روز از آغاز جنگ می‌گذرد بر کسی پوشیده نیست و مدارک و شواهد فراوانی در این زمینه وجود دارد تا جایی که آفریقای جنوبی به همراه چند کشور دیگر بر پایه این شواهد و مدارک پرونده‌ای را به جرم نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت علیه این رژیم در دیوان بین‌المللی کیفری لاهه باز کرده‌اند.

یک - عمق و گستره جنایات صهیونیست‌ها در غزه هر روز ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد. در تازه‌ترین مورد، کشف چند گور جمعی در ۲ بیمارستان شفا و ناصر در جنوب غزه که حاوی صدها جسد بود، پرونده سیاه صهیونیست‌ها در این جنگ را اسپاهت کرد.

کشف این گورهای جمعی و بررسی اولیه اجساد نشان می‌دهد اغلب شهدا زنان و کودکان هستند و شناسایی هویت برخی اجساد از سوی خانواده‌هایشان نشان می‌دهد بیشتر آنها در حالی که در بیمارستان بستری بوده‌اند توسط نظامیان وحشی ارتش صهیونیستی قتل عام شده‌اند. این نشان‌دهنده این مساله است که صهیونیست‌هایی که با پروپاگاندا سعی داشتند جنایات بمباران بیمارستان‌ها را انکار کنند، حتی به بیماران بی‌دفاع روی تخت‌های بیمارستان هم رحم نمی‌کنند.

سختگویی دفاع مدنی غزه اخیراً اعلام کرد پس از خروج نظامیان صهیونیست از برخی مناطق غزه، بیش از ۲ هزار فلسطینی ناپدید شده‌اند که این مساله گمانه‌زنی‌ها درباره وجود گورهای جمعی بیشتر را افزایش داده است.

دو- جنایات رژیم صهیونیستی در غزه را می‌توان با جنایات برخی حامیان این رژیم مثل کانادا، آمریکا، فرانسه و نسل‌کشی صرب‌ها علیه مسلمانان و داعش در عراق و سوریه مقایسه کرد. ژوئن ۲۰۲۱ کشف گورهای جمعی از بومیان کانادا که اغلب آنها کودک بودند در نزدیکی مدرسه شبانه‌روزی در استان‌های مانتیویا، بریتیش کلمبیا و ساسکاچوان خبر ساز شد و جنایت فجیع سفیدپوستان مهاجر علیه سرخ‌پوستان و بومیان کانادایی را بر ملا کرد. مدارس مذکور به صورت مشترک میان دولت و کلیسای کاتولیک کانادا اداره و کنترل می‌شدند همین امر هرگونه ادعای دولت کانادا مبنی بر بی‌اطلاعی از جنایت علیه کودکان بومی در این مراکز را عملاً رد می‌کند. تحقیقات نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد هدف دولت کانادا از تاسیس مدارس مذکور علاوه بر رویکرد نژادپرستانه و تبعیض‌آمیز این کشور، نابود کردن جوامع بومی و دستیابی به نیروی کار ارزان بود.

ادامه در صفحه ۶

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

